

متن پرسش

با سلام و درود خدمت استاد گرامی: استاد مرتبط با سخنان اخیرتون در مورد این پدیده و این موج بی سابقه تظاهرات های ضد استکباری در خود کشورهای غربی خواستم نظر جنابعالی را جویا شوم. بنده به عنوان کسی که ساکن در غرب هستم و بازتاب وقایع اخیر را در جامعه غرب دارم بی واسطه ادراک می‌کنم، حس می‌کنم بعد از به خاک و خون کشیدن زنان و کودکان فلسطینی و بمباران فجیع بیمارستان ها که به معنای واقعی کلمه، بشریت یک نسل کشی تمام عیار را بر علیه یک ملت مظلوم بی دفاع جلوی چشمان خود تجربه می کند، ما شاهد یک بیداری وجدان عمومی در جوامع غربی هستیم که نقش خود دشمن صهیونیستی در این بیداری فطرت ها هم در خور اهمیت است! یعنی امپراطوری رسانه ای صهیونیستی در غرب به قدری در دروغگویی و تحریف واقعیات بی شرمی کرد و ظالم را جای مظلوم نشانند که باعث رسوایی خود شد و اعتماد عمومی جامعه غرب نسبت به رسانه ها به شکل وسیعی خدشه دار شد. یعنی فطرت بیدار هر انسانی به او گواهی می‌دهد که بمباران بیمارستان ها و مدارس را به هیچ وجه من الوجوح و با هیچ دلیلی نمی‌توان توجیه کرد، حال آنکه باز رسانه های وابسته به صهیونیسم بعد از انکار اولیه به سعی در توجیه کردن این نسل کشی برآمدند. بنده فکر می‌کنم حتی بی اعتمادی که در اثر این وقایع در بین مردم کشورهای غربی نسبت به رسانه های رسمی خودشان ایجاد شد بی سابقه بود و به بهترین تعبیر که تعبیر رهبری باشد ترمیم ناپذیر هم خواهد بود. استاد آیا می توانیم با یک فهم تاریخی این رخدادها را اینگونه بنگریم که گویی ما مواجه هستیم با آغاز تاریخ بیداری فطرت انسان ها که این در آینده به پس زدن تمدن مادی غرب از طرف فطرت انسان ها در خود غرب منجر می شود؟ آیا بیداری فطرت ها و بیزاری فطرت ها از تمدن غربی را می توان ذیل برطرف شدن موانع ظهور فهمید؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان طور که به خوبی از فضای آنچه در وجدان عمومی مردم کشورهای غربی می‌گذرد، به طور مستقیم گزارش می‌دهید، و خود جنابعالی حقیقتاً ناظر صحنه‌اید؛ واقعیت آن است که به دلایل مختلف ما با آغاز تاریخ دیگری روبه‌رو هستیم. زیرا از یک طرف فرهنگ مدرنیته به گفته خود متفکران غرب، نتوانست به وعده هایی که بیشتر فروختن آرمان‌های کاذب بود، عمل کند و عملاً مردم، خود را در آن فضا در دام نیهیلیسم و نیست‌انگاری یافتند و از طرف دیگر با پشتیبانی سران جهان استکباری از جنایات رژیم صهیونیستی متوجه شدند ذیل چه حکومت‌هایی زندگی می‌کنند. این

است که به طور شگفت‌آوری ملاحظه می‌کنید مردم جهان غرب در بستر اعتراض به کودک‌کشی رژیم صهیونیستی در واقع متوجه فردای دیگری در وجدان خود هستند و این، هنر و هوشیاری ما را می‌طلبد که متوجه این امر باشیم و حضور تاریخی خود را که جدا از حضور تاریخ جهان نیست، مدّ نظر قرار دهیم، به همان معنایی که به گفته جناب گادامر، «تفکر، تاریخی است». یعنی کسانی امروز، مردان واقعی تفکرند که متوجه روح تاریخی باشند که در حال طلوع است و غزه، آینه آن حضور و آن تفکر است تا معلوم شود متفکر واقعی در این زمانه چه کسی است. موفق باشید